

تبیین آیات خداوند

نگاهی پدیدار شناسانه به اسلام

○ رضا غلامی



○ آنه ماری شیمل

○ ترجمه: دکتر عبدالرحیم گواهی

○ دفتر نشر فرهنگ اسلامی

این کتاب شامل مجموعه سخنرانی‌هایی است که خانم شیمل در بهار سال ۱۹۹۲ میلادی در شهر ادینبورگ انگلستان و در سمت استاد مدعو کرسی اسلام‌شناسی گیفورد ایراد کرده‌اند و عنوان آن «تبیین و یا اسطوره‌زدایی آیات الهی» [در اسلام] می‌باشد.

پروفیسور آنه ماری شیمل یکی از اندیشمندان سرشناس اسلام‌شناس در غرب است که با علاقه به اسلام و سعی وافر در رعایت بی‌طرفی به تبیین بخشهایی از دیدگاههای اسلام پرداخته است. با آنکه معرفت وی از اسلام بدون تجربه مسلمانی و ایمان اسلامی صورت گرفته است و لذا به طور طبیعی کم عمق می‌نماید، آثار ایشان در مقایسه اجمالی با سایر آثار مستشرقانی که درباره اسلام تألیف شده است و اکثراً سطحی و حتی بعضاً غیرقابل قبول است، تفاوت‌های زیادی دارد. به نظر نگارنده، نگاه زیبای خانم شیمل به اسلام، سوژه‌های فراوانی را برای مطالعه درباره اسلام برای محققان فراهم می‌نماید.

این کتاب علاوه بر سخن مترجم، دیباچه مؤلف و مدخل بحث، دارای هفت فصل عمده می‌باشد. عناوین این فصول عبارت است از: فصل اول: طبیعت جنبه‌های مقدس طبیعت و فرهنگ، فصل دوم: مکان و زمان مقدس، فصل سوم: اعمال مقدس، فصل چهارم: کلمه خدا و کتاب خدا، فصل پنجم: فرد و جامعه، فصل ششم: خداوند و عالم خلقت - میحث معاد - و فصل هفتم: نحوه نگرش به اسلام.

برای آغاز مروری بر این کتاب، بهتر است از مباحث مهم مدخل شروع کنیم.

مؤلف در مدخل، بحث را با تأکید بر اینکه تاکنون اسلام به صورت بسیار بدی عرضه شده است، آغاز می‌کند. وی معتقد است نزد بسیاری از مورخان ادیان، دین اسلام که نسبتاً دیر در صحنه دینی عالم ظاهر شده، هنوز هم چیزی بیش از یک «بدعت در مسیحیت» نیست، همان‌گونه که قرن‌ها - تا زمان آدولف فون هرناک - مکرراً آن را به این نام می‌خواندند و یا اسامی دیگری از قبیل «یک دین ضد مسیحی»، «غیرانسانی»، «ابتدایی» و غیره - اوصافی که این روزها، به خاطر وضع

سیاسی خاورمیانه جنگزده و ظهور گروه‌های بنیادگرای اسلامی، زیاد به گوش می‌خورند.

مؤلف می‌نویسد که در صدد به دست دادن تصویر دقیقی از اسلام است که از مرز جغرافیایی معتابیهی در جهان برخوردار است و هر روز جمع جدیدی را به خود جذب می‌کند. ایشان به تألیف آثار اسلامی به زبانهای مختلف اشاره می‌کند و همین موضوع را دلیل عقب افتادگی و ناامیدی محققانی می‌داند که راجع به اسلام تحقیق می‌کنند.

وی از برخورد ناشایست برخی از محققان با موضوع دین که مقدس‌ترین امر زندگی میلیونها انسان است، ابراز تحیر می‌کند. خانم شیمل معتقد است در مطالعات دینی، انسان در مقابل موضوعی قرار دارد که در ورای قلمرو تحقیق «علمی» محض بوده و لذا نباید در این حوزه به یک تحقیق عینی صرف مبادرت ورزد. همچنین ایشان به فقدان شدید مهارت‌های زبان‌شناختی و تکیه و اعتماد به ترجمه‌های قدیمی و ناقص در بسیاری از مطالعات اسلامی اشاره می‌نمایند و برای نمونه نیز

همچنین در ادامه مؤلف به تمثیل‌ها و تشبیه‌هایی که از رود و رودخانه استفاده شده می‌پردازد و به تشبیه پیامبر اکرم (ص) به رودخانه‌ای قدرتمند توسط متفکر شیعی قرن دهم میلادی، مرحوم کلینی (ره) اشاره می‌نمایند.

پس از بحث درباره آب نوبت آتش می‌رسد. مؤلف در این بخش به رغم اینکه معمولاً آتش در بین مسلمانان با جنبه منفی و مخرب شناخته می‌شود ولی یقیناً خداوند می‌تواند یک توده آتش را به گلستان تبدیل کند؛ کاری که در حق حضرت ابراهیم (ع) انجام داد. لذا مؤلف به رغم پیوند دوزخ و آتش، برای آتش خصوصیات مثبتی نیز در نگاه اسلام قائل است. در ادامه به کاربرد آتش در تمثیل‌ها و تشبیه‌ها و ارتباط دقیق آن برای بیان منزلت عشق اشاره می‌کند. و به شعله شمع که توسط مسلمانان بر سر مزار درگذشتگان یا در مراسمهای جشن و سرور با دید مثبت مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌پردازد. پس از آتش، مؤلف به باد و سپس به جایگاه و منزلت رفیع نور در اعتقادات دینی می‌پردازد در این باره می‌نویسد: «قرآن به صراحت اعلام می‌دارد که «اللهم نور السموات و الارض» (خداوند نور آسمانها و زمین است) (سوره نور، آیه ۳۵) در متن کتاب مقدس اسلام - قرآن - نیز مکرراً آمده که خداوند، با نور هدایت خویش، مومنین را از تاریکی و ظلمات به نور رهنمون می‌شود. به تحقیق می‌توان گفت که در تمام اعتقادات دینی، نور نقشی مهم و محوری را ایفا می‌کند، و مفهوم نوری که به خودی خود آن قدر درخشنده و تابان است که توسط چشمهای ضعیف انسانها قابل ادراک نیست. مسلماً مورد تأیید قرآن نیز هست... نمادگرایی نور [در بین مسلمانان] به نحو گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است، با وجود این یکی از متفکرین مسلمان نظام فلسفی کاملی را در رابطه با آن به وجود آورده است. این نظام فلسفی همان چیزی است که با عنوان «حکمت اشراق» شیخ شهاب‌الدین سهروردی خوانده می‌شود، کسی که جان خویش را در راه آراء و عقاید شجاعانه‌اش فدا کرد. مطابق نظر وی، هستی عبارت از نور است و این نور توسط طوایف گوناگونی از جنس فرشتگان به عالم انسانی (انسانها) آورده می‌شوند. وظیفه هر فرد این است که از چاه تاریک «غربت غربی»، جایی که وی زندانی قید و بند ماده است، به «شرق نور» رجعت کند، و آینده وی نیز بستگی به میزان نوری دارد که وی در این حیات کسب کرده است.»

در ادامه مؤلف به خورشید، ماه و ستارگان اشاره می‌کند و به علم هیئت و ستاره‌شناسی که در بین مسلمانان از جایگاه مهمی برخوردار بوده است. در پایان بخش مؤلف به رنگهای زاینده نور و دیدگاه اسلام درباره رنگها اشاره دارد.

۲. حیوانات و گیاهان

در این بخش نیز مانند بخش پیشین این فصل، مؤلف درصدد تبیین و تحلیل دیدگاه اسلام و همچنین سنت‌های اسلامی درباره درختان، سایر گیاهان و حیوانات مختلف است و جایگاه و منزلت و همچنین نوع رفتار انسان مسلمان را در قبال گیاهان و حیوانات مورد

به عدم درک صحیح برخی تمثیلهای اشعار فارسی توسط محققان اشاره کرده‌اند.

مؤلف درباره الگوی منتخب خود برای تألیف این اثر می‌نویسد: «من معتقدم که نگرش پدیدارشناسانه برای شناخت و درک بهتر اسلام کاملاً مناسب است، به ویژه الگویی که فردریش هایلر در اثر جامع خویش، «صور و ماهیت ادیان» (اشتوتگارت، ۱۹۶۱) به وجود آورده است که من نیز الگوی این کتاب را بر همان ساختار قرار داده‌ام، چرا که وی می‌کوشد ابتدا با مطالعه پدیده‌ها و سپس سطوح عمیق‌تر و عمیق‌تر به صورت آیه و نشانه‌ای از یک تجربه عرفانی درآیند... بر همین منوال، پاره‌ای اعمال نمادین (سمبلیک) می‌توانند در خدمت روشن ساختن جنبه‌های خاصی از اسلام قرار گیرند.»

○ ○ ○

فصل اول: جنبه‌های مقدس طبیعت و فرهنگ

۱. طبیعت بی‌جان

در این بخش به بیان و تحلیل برخی اعتقادات مسلمانان و شیعیان درباره سنگ، خاک، آب، باد، آتش، نور و رنگ پرداخته است. در آغاز بحث، وی به قدمگاههای پیامبر (ص) و اولیا دین (ع) روی سنگ در اماکن مقدس مسلمانان که مورد احترام مسلمانان بوده و برخی چون شیعیان با لمس این سنگ‌ها خود را متبرک می‌کنند، اشاره می‌کند همچنین به اهمیت و ارزش سنگ عقیق از نظرگاه اسلام و توصیه پیامبر اسلام به استفاده از این سنگ برای دور شدن از ناخوشی و غم و افزایش خیر و برکت و همچنین سنگ زمرد و... که همین ارزش را در اسلام دارند اشاره می‌کند.

همچنین مؤلف به تبیین منزلت زمین و خاک از دیدگاه اسلام می‌پردازد و خاکها و زمینهای مقدس را نام می‌برد از جمله تربت کربلا و نجف و... که مورد احترام شدید مسلمانان است. در ادامه خانم شیمیل به نقش مهم آب در بین عوامل طبیعی می‌پردازد و ضمن اشاره به آیاتی از قرآن مجید درباره آب از دیدگاه اسلام می‌نویسد: «این آب نه تنها قدرت تطهیر ظاهری و بیرونی مردم را دارد بلکه همچنین، همان‌گونه که در سایر اعتقادات دینی نیز می‌بینیم، به نماد مناسبی برای پاکیزه ساختن قلوب آدمیان نیز بدل می‌شود.» در همین راستا مؤلف به آب‌های مقدس از جمله آب زمزم اشاره می‌نمایند.

باز در ادامه ایشان به منزلت باران و رودخانه می‌پردازد و ضمن اشاره به اعتقاد «باران رحمت» در بین مسلمانان به استفاده از برخی بارانها برای شفا و یا موقعیت زمانی استجاب دعا در زمان بارش باران می‌پردازد. مؤلف با اشاره به سنت «استسقاء» در بین مسلمانان در زمان خشکسالی، باران رحمت‌زای و حاصلخیز را با سیل بنیان‌افکن متفاوت قلمداد می‌کند و این باران را نشانه‌ای از غضب الهی برای گناهکاران برمی‌شمرد. ایشان از مهمترین عذاب‌های الهی که از طریق آب نازل شده به طوفان زمان حضرت نوح (ع) و ماجرای رودخانه نیل در زمان حضرت موسی (ع)، اشاره نموده است.

وقتی که ایشان ظهور می‌کنند؛ پرواز روح در گذشته و پرندگان و اشعار عرفا در این باره؛ استفاده از گل و بلبل در اشعار فارسی؛ کبوتر و نماد وفاداری و محبت؛ لک‌لک که آشیانه خویش را عمدتاً بر روی مناره‌ها می‌سازد؛ خروس که به حضرت آدم(ع) نماز خواندن و وقت آن را یاد داد؛ و همچنین تشبیه خروس و مؤذن؛ ماجرای حضرت سلیمان و مورچه و پرندگان در قرآن؛ تشبیه حیواناتی چون خوک و میمون به گناهکاران در قرآن.

۳. ساخته‌های دست بشر

از نظر مؤلف اشیاء ساخته بشر در دین اسلام، کمتر از همه ادیان دیگر، ارزش و اهمیت دارند، هرچند که صیغه‌های خاصی از نقش آن‌ها در پیش از اسلام ممکن است در اینجا و آنجا باقی مانده باشند و در یک زبان نمادین مورد استفاده نیز قرار گرفته باشند.

در اینجا باتوجه به نظر مؤلف لازم است این نکته مورد توجه قرار گیرد که اسلام همواره به خلق اشیایی که برای رفاه انسان و آبادانی دنیا توسط انسان صورت گرفته احترام می‌گذارد و انسان را بدان تشویق می‌کند مشروط به اینکه این اشیاء در راستای حفظ فضایل و مراتب انسانی باشد و یا به هر شکل موضوع پرستش قرار نگیرد. البته پرستش می‌تواند در زمانهای مختلف اشکال گوناگونی نیز داشته باشد. در این بخش مؤلف قصد دارد تا مروری بر اشیاء مختلف داشته و جایگاه و منزلت آن اشیاء را از دید متون اسلامی و مسلمانان مورد ملاحظه قرار دهد.

فصل دوم: مکان و زمان مقدس

۱. مکان مقدس:

مؤلف بحث را با نقل نوشته استاد سید حسین نصر آغاز می‌کند و می‌نویسد: «سیدحسین نصر می‌نویسد: «فرد مسلمان در فضایی که توسط صدای قرآن تبیین شده زندگی می‌کند» تا بدین ترتیب موقعیتی را که یک مسلمان معتقد در آن قرار دارد تشریح کند. مسلماً وی درست می‌گوید، با وجود این در اعتقاد اسلامی، مثل همه ادیان دیگر، اماکنی وجود داشته و هنوز هم وجود دارند که به نظر می‌رسد از نیروی برکت زای خاصی برخوردار بوده و هستند و از این روی، در متون اسلامی، به عنوان نمادهای تجربه انسانی «به خانه خویش در آمدن» قلمداد می‌شوند.»

در ادامه مؤلف اماکن مقدس اسلامی را برشمرده و تشریح می‌کند. این اماکن عبارتند از: غار اصحاب کهف و غار حراء؛ خانه به عنوان محل امنی برای زندگی؛ دارالاسلام؛ خانه به عنوان تعبیر مجازی برای دل و قلب آدمی؛ مسجد به عنوان مقدس‌ترین مکانها در اسلام؛ محل دفن یک فرد مقدس و قبور مؤمنین به ویژه قبور ائمه(ع) و شهداء و...؛ حریم شریفین یعنی مکه و مدینه که مقدس‌ترین مکان در روی زمین محسوب می‌شود و آداب خاصی که در آن مکان شدیداً رعایت می‌شود؛ بیت‌المقدس قبله اول مسلمانان؛ سفر در نگاه اسلام و...

مؤلف معتقد است اهمیت فضا و مکان - حریم - مقدس در تائیدی

بررسی قرار می‌دهد. البته به نظر می‌رسد برخی سنت‌های مورد اشاره مؤلف در این بخش و بخش گذشته نمی‌تواند به عنوان یک سنت کاملاً اسلامی قلمداد شود بلکه سنت‌هایی است که صرفاً متأثر از مجموعه عقاید و باورهای مسلمانان شکل گرفته و به تدریج به سنت مسلمانان تبدیل گردیده است. باید توجه داشت که چه بسا برخی از این سنت‌ها با دیدگاه‌های اصیل اسلامی در تعارض باشد.

در این بخش از نوشتار حاضر، اجمالاً مروری داریم بر مطالب این قسمت. درخت می‌توانست به نماد هر چیز خوب و مفید تبدیل شود و به همین دلیل نیز قرآن می‌گوید که «کلمه طیب» همانند «شجره طیبه» است. (سوره ابراهیم، آیه ۲۴)

در ادامه مؤلف به این موارد اشاره نموده است: کاشتن درخت در کنار قبور ائمه(ع) و اولیای دین و مقدس بودن برخی از این درختها؛ بهشت و درختان زیبا؛ رابطه درخت و فتوت و مردانگی؛ درخت خانواده؛ درخت عالم در زبان شعر؛ رابطه درخت و زندگی به ویژه حیات معنوی؛ برکت کاشتن و لمس کردن درخت؛ و... همچنین درباره سایر گیاهان از جمله: دانه اسپند در مقابل چشم زخم؛ گل موسوم به پیغمبر در افغانستان؛ گل بنفشه و تشبیه آن به کسی که در حال تأمل و مراقبه است یا گل سوسن که شکل گلبرگهای آن به شمشیر حضرت علی(ع) تشبیه شده است؛ گل لاله و تشبیه آن به شهداء و غیره...

مؤلف درباره گلها و برگهای گیاهان از دیدگاه اسلام اینگونه می‌نویسد: «همه گلها و برگهای گیاهان، به تسبیح صامت خداوند مشغول‌اند، زیرا که در قرآن می‌خوانیم: «یسّیح له ما فی السموات و الارض» (هر آنچه در آسمانها و روی زمین است به تسبیح خداوند اشتغال دارند)».

در قسمت دوم این بخش خانم شیمل درباره حیوانات نوشته‌اند. مواردی که در این قسمت آمده به اختصار به این شرح است: آثار معتنابه مسلمانان درباره جانورشناسی؛ استقبال از داستان‌های کلیله و دمنه که با محوریت حیوانات نوشته شده در بین مسلمانان؛ نامگذاری برخی از مهمترین آیات قرآن به نام حیوانات مثل سوره بقره (گاو زرد) سوره نحل، سوره عنکبوت و... و استفاده از حیوانات در قرآن برای تشبیه و تمثیل؛ توصیف قرآن درباره برخی حیوانات مثل زنبور عسل؛ یاری عنکبوت به پیامبر در زمان هجرت ایشان از مکه به مدینه؛ انتخاب لقب حیدر به معنای شیر برای حضرت علی(ع) به عنوان نمادی از قدرت و شکوه؛ چرخیدن پروانه به دور شمع و قربانی شدن او بر سر عشق که معمولاً دستمایه اشعار قرار می‌گیرد؛ علاقه خاص پیامبر (ص) به گریه؛ سنگ که در عین ناپاکی و نمادی از نفس سرکش، در کنار اصحاب کهف باقی می‌ماند و به عنوان نمادی از وفاداری مطرح می‌شود؛ سخن قرآن درباره شتر و الاغ؛ (سوره غاشیه آیه ۱۷) (سوره لقمان آیه ۱۹) (که البته معمولاً از شتر برای نشان دادن عظمت خلقت و از الاغ به عنوان نمادی از حماقت یاد شده است)، اسب و ستایش متون ادبی عربی از این حیوان؛ اسب سفید امام حسین(ع) به نام ذوالجناح که جنبه تقدس پیدا کرده؛ همچنین روایاتی که درباره اسب سفید حضرت مهدی(ع) نقل شده

وجهی بودن حیات در اسلام؛ و مخالفت اسلام با تثلیث؛ عدد چهار و ساخت بنای شهرها مطابق الگوی کیهانی مربع و همچنین ارکان چهارگانه ایمان در اسلام؛ عدد پنج و ارکان پنجگانه دین اسلام، تعداد نمازهای یومیّه و همچنین ۵ تن آل عبا و ۵ پیامبر اولوالعزم و...؛ عدد شش و آفرینش جهان در ۶ روز؛ عدد هفت و ۷ بار طواف کعبه و زدن هفت سنگ به شیطان و ۷ گام برای رسیدن سالک به هدف و...؛ عدد هشت و اثر امیر خسرو دهلوی به نام هشت بهشت و همچنین ساخت باغ‌ها و باغچه‌های مزار بزرگان که به تقلید از بهشت به صورت هشت تایی ساخته می‌شود و کتابهای گلستان و بهارستان که از هشت فصل تشکیل شده‌اند تا یادآور شکل آرمانی بهشت باشند؛ عدد نه و مفهوم نه سپهر یا قلمرو کیهان در نجوم اسلامی؛ عدد ده و نماد کمال یافتن و اتمام بودن، صحابه دهگانه پیامبر (ص) و دهم ماه محرم نزد شیعه و...؛ عدد دوازده و دوازده امام در شیعه؛ عدد چهارده و زیبایی چهاردهم ماه قمری و چهارده معصوم در شیعه؛ عدد هفده و تعداد رکعت‌های نماز در هر شبانه روز؛ عدد چهل که با معنای آمادگی و تطهیر عرفانی قربت دارد و...

فصل سوم: اعمال مقدس

این فصل با مقدمه‌ای آغاز می‌شود که شامل مباحثی دربارهٔ ریشه اعمال دینی یا مقدس می‌باشد. مؤلف معتقد است در جامعهٔ عرب پیش از اسلام، سنت پیشینیان یا «اولین» یکی از موازین و معیارهای حیات اجتماعی مردم بود. پس از طلوع اسلام، سنت پدران بنیانگذار دین به تنظیم جنبه‌های مختلف حیات مسلمانان پرداخت. هر چیزی که در تضاد و یا ناسازگاری با سنت باشد، سنتی که الگوی اصلی آن شخص حضرت رسول (ص) است، هدف بیم و تنفر مسلمانان قرار گرفت چرا که احتمالاً گمراه‌کننده و از همین بابت هم خطرناک بود؛ از این جهت، بدعت غالباً بسادگی به عنوان شرک قلمداد می‌شد. تقلید محمدی، همانطور که آرمند ابل بدرستی گفته است، شامل تقلید از اعمال و رفتار حضرت محمد (ص) است، نه اینکه مثل تقلید از مسیح، به صورت مشارکت در رنج و عذاب وارد شده به الگوی موردنظر - حضرت مسیح بن مریم (ع) - باشد چرا که خود پیام وحیانی قرآن بر رفتار صحیح و عمل صالح تاکید ورزیده بود و تمسک به سنت پیامبر (ص) و رهبران اولیه جامعه و اسلاف، هرچه در نسلهای اسلامی جلوتر می‌رفت، یعنی از نسل اول جامعه و اصحاب که الگوی زنده پیامبر (ص) را در پیش روی داشتند دورتر می‌شد، اهمیت روزن افزون‌تری می‌یافت. هرچند که تمایل قابل درک امت اسلامی به تقدس بخشیدن به نمونه و الگوی پیامبر (ص) می‌توانست با تمسک و پیروی سخت و مؤکد از الگوهای به دست داده شده توسط آن جناب، بدون درک این واقعیت که روح بیان شده در آن اعمال و الگوها چیست، به نوعی تبحر و انجماد بینجامد. تقلید از الگوی پیامبر (ص) با واژه‌هایی مثل «اتباع» و «اقتداء» خوانده شده بود که هر دو به معنای «عمل کردن مطابق و یا

که اسلام روی «صراط» (راه) به عمل می‌آورد انعکاس یافته است، موضوعی که از عناوین اصولی و محوری تفکر اسلامی است. آیا مسلمانان این دعای قرآنی را در نمازهای خویش نمی‌خوانند که: «اهدنا الصراط المستقیم» (خدایا ما را به راه راست هدایت کن)؟ این درخواست از خدا در سوره فاتحه، که روزانه میلیونها بار توسط مسلمانان سراسر جهان تکرار می‌شود، موجب شده که عنوان بیش از یک کتاب در موضوع دیانت اسلامی «اسلام، صراط مستقیم» انتخاب شود.

۲. زمان مقدس

در بخش دوم از فصل حاضر، مؤلف بحث را اینگونه آغاز نموده و می‌نویسد: «هر دین زمانهای مقدس خویش را دارد: زمانهایی که در آنها حالت اسرارآمیزی که در آغاز وجود داشت دوباره اجرا (عمل) می‌شود و در نتیجه انسانها را به بعد تازه‌ای از حیات رهنمون می‌شوند: فصول مقدس و روزها و ساعات مقدس». در ادامه، مؤلف همچون بخشهای قبلی در صدد است تا به فصول، روزها و ساعات مقدسی که بین مسلمانان وجود دارد و در اسلام نیز به آنها توصیه شده است، بپردازد. این زمانها عبارت است از: زمان بعثت پیامبر اکرم (ص) به عنوان مقدس و متبرک‌ترین زمانها نزد مسلمانان؛ زمان رؤیت هلال ماه قمری و اول ماه؛ اعیاد اسلامی و آداب مسلمانان در این روزها؛ عید فطر و عید قربان مهم‌ترین عید مسلمانان که در قرآن نیز از آن یاد شده است؛ ماه رمضان و شب قدر به عنوان مقدس‌ترین ایام سال؛ تقدس روز میلاد حضرت علی(ع) برای شیعیان؛ تقدس روز غدیر خم برای شیعیان؛ اهمیت ماه محرم برای شیعه به ویژه ده روز اول آن به جهت ماجرای کربلا؛ روز مراسم عرس در اجمیر پاکستان؛ ماه صفر به عنوان ماه نامیمون؛ ماه ربیع‌الاول ماه شادی به جهت قرار گرفتن سالروز ولادت پیامبر (ص) در این ماه؛ ماه رجب و مقارن شدن این ماه با زمان معراج پیامبر (ص) و لیلۀ امر غائب؛ ماه شعبان و شبهای لیلۀ البرأت؛ خواص ایام هفته از دیدگاه اسلام؛ منزلت ساعات روز و شب در بین مسلمانان؛ و...

۳. اعداد مقدس

در این بخش خانم شیمل در نظر دارد تا اعداد مورد توجه اسلام را تحت عنوان اعداد مقدس مورد تبیین قرار دهد. البته در اعتبار برخی مطالب این بخش که به اسلام منسوب شده است جای تأمل و تردید است؛ از جمله این مطلب که در آغاز توسط مؤلف بیان شده است: «إنّ الله وتر و يحب الوتر» (به درستی که خداوند فرد و یا طاق است و از این روی اعداد فرد را دوست دارد.) و مؤلف از این بیان نتیجه گرفته‌اند که کلیه اعداد فرد در اسلام از منزلت بالایی برخوردارند؛ همانطور که مترجم محترم این کتاب نیز در پاورقی اشاره داشته‌اند، ایجاد رابطه بین وحدانیت خداوند و تقدس اعداد فرد، ناشی از یک سوء برداشت و فهم است و با اندیشه اسلام عقلگرا مطابقتی ندارد. مطالب این بخش به اختصار عبارت است از: عدد سه و تفکر سه

نیت است. هر یک از اعمال و تکالیف دینی باید با ادای نیت شروع شود و این گفته مشهور که «انما الأعمال بالنیات» (هر عملی بر حسب قصد و نیت از انجام آن مورد قضاوت قرار می‌گیرد)، در وهله نخست به معنای آنچه اکثراً فکر می‌کنند، یعنی نیت «معنوی و یا روحانی» افراد، نیست بلکه بدین معناست که کسی نیت کند مثلاً نمازی را در سه رکعت بخواند و یا اینکه یک روز را روزه بگیرد.

بنظر می‌رسد خانم شیمل روح یا معنای دقیق «انما الاعمال بالنیات» را متوجه نشده‌اند. حداقل در بین شیعیان این نوع برداشت از «نیت» یک برداشت جاهلانه قلمداد می‌شود. چرا که بنابر آنچه ائمه شیعه (ع) روشن ساخته‌اند، نیت نقش خالص‌سازی عمل را برعهده دارد و بر قصد قربت و نزدیکی به خدای متعال که مقدمه و نتیجه هر عملی در اسلام یا این موضوع پیوند تام و کامل دارد، تأکید دارند. هر عملی - چه عبادی و چه غیرعبادی - که با قصد قربت به خدا توأم نباشد، از ارزش حقیقی برخوردار نیست.

در ادامه، خانم شیمل به رسومی از قبیل تعزیه‌های شیعی درباره حادثه کربلا به منظور زنده کردن وقایع مقدس در عصر حاضر، لمس کردن شیء مقدس از باب تبرک و تیمن در جهت اتحاد و یکی شدن با معبود؛ بیعت کردن به منظور انتقال برکت پیر یا قدیس به مریدانش؛ بیرون بردن و خارج ساختن بلا از طریق لمس دست شیخ یا قدیس یا بدن مریض؛ بوسیدن به عنوان یکی از قوی‌ترین راه‌های برخوردار شدن از قدرت تبرک و تیمن؛ فوت کردن به اشخاص یا اشیاء، پس از خواندن نماز و یا دعا برای انتقال برکت؛ رقص مقدس یا رقص یا سماع در بین صوفیان؛ و...

البته مجدداً باید تأکید شود که بسیاری از این رسومات که در این قسمت مؤلف بدان پرداخته، به هیچ‌وجه یا اندیشه اسلام اصیل سازگاری ندارد و نباید به نام اسلام مطرح شود، اگرچه متأسفانه بین بسیاری از مسلمانان وجود دارد و این یک واقعیت تلخ است.

۳. طریقه اتحاد

مؤلف توضیح می‌دهد که: «در لایه‌های باستانی مذهب، اتحاد جنسی به عنوان اتحاد روحی و معنوی دیده می‌شود و حتی در اوپانیساده‌ها، که در بسیاری از موارد تعالیم آنها کاملاً مجرد و انتزاعی است، بالاترین خیر و برکت به صورت هم‌اغوشی با یک همسر محبوب توصیف شده است. اما همانگونه که فقها، از رقص و سماع صوفیانه به عنوان وسیله‌ای جهت رسیدن به «اتحاد» با خداوند بیزار بودند، بر همین قیاس نیز از هرگونه اصطلاح و عبارتی که در آن عشق، صورت یک مفهوم محوری را داشت، روی گردان بودند. آنان اصولاً نسبت به اشکال و صورتی که صیغه و رنگ عشق و دلبستگی داشت و یا آلوده به این الفاظ بود، احساس خطر می‌کردند. زیرا این امور ممکن بود به تضعیف «دارالاسلام» منجر شود. آنها تنها می‌توانستند «عشق» را به صورت «عشق اصلاحت از خداوند» تفسیر کنند و نه به عنوان یک راه و هدف مستقل برای مسلمانان. تعبیراتی نظیر اتحاد با خداوند واحد، خدایی که

هماهنگ با...» بود. به جای تقلید کورکورانه، و بدون تعقل و ادراک درست منظور و پیام پیغمبر (ص)، اتباع و اقتدای درست درواقع حاوی کیفیتی سودمند و مفید به حال جامعه بود. صرف تقلید از احکام فقهی و شرعی و حقوقی پیامبر (ص) که قرن‌ها پیش از این و تحت شرایط اجتماعی و فرهنگی کاملاً متفاوتی اتخاذ شده بود، می‌توانست برای رشد یک امت سالم و زنده خطرناک باشد.

البته ظاهراً خانم شیمل از اجتهاد و جایگاه رفیع آن در شیعه غافل شده‌اند. عمل اجتهاد - در غیبت امام معصوم (ع) - توسط فقهای دارای شرایط لازم، می‌تواند شرایط اجتماعی و فرهنگی جدید که اصطلاحاً مقتضیات زمان نامیده می‌شود را در احکام شرعی اسلامی ملحوظ کند و مسلمانان را با زمان به جلو ببرد، بدون اینکه روح و مغز پیام وحیانی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) مورد غفلت واقع شود. البته اجتهاد که به قول اقبال لاهوری قوه «حرکه» دین اسلام است با این معنا مختص شیعه است و اهل سنت عموماً قائل به اجتهاد نیستند.

۱. طریقه تهذیب

ظاهراً تهذیب در اینجا بیشتر به معنای پاکیزگی ظاهر و جسم انسان است که البته با پاکیزگی روحانی در اسلام ارتباط دارد. متأسفانه در این بخش شاهد ذکر مطالبی از سوی مؤلف هستیم که بخشی از آن خرافه‌ها و آداب است که تنها از سوی عده‌ای از مسلمانان جاهل که از عقلانیت اسلامی دورند مورد توجه بوده و بدانها عمل می‌شود. انتساب برخی از این باورها به اسلام از سوی اندیشمندی که البته بدلیل عدم تجربه مسلمانی به عمق تفکر اسلامی مشرف نمی‌باشد طبیعی است. آداب دفع شیطاين با ایجاد صدا و رم دادن قدرتهای خطرناک و... یا آتش زدن دانه اسپند یا بخور دادن برای جلوگیری از چشم‌زخم... یا پاشیدن نمک روی زمین یا کفش میهمانان برای منحرف کردن مهمان و... یا کشیدن دایره به دور فرد یا شیء موردنظر برای جلوگیری از تماس و ورود ارواح و موجودات خبیث یا گره زدن و سپس شل کردن آن، کنندن لباسها بویژه کمر بند و کفشها و یا دهها مطلب دیگر از این قبیل به اسلام ارتباطی ندارد و انتساب آن به اسلام موجب وهن اندیشه اسلامی است.

البته بخشی از مطالب این بخش ویژه در خصوص طهارات در اسلام و فلسفه آن (وضو، غسل، تیمم و...) و همچنین لزوم پاکیزگی ظاهر و آرایش سر و صورت و معطر ساختن بدن و... برای فرد مومن، همچنین ختنه کردن، قربانی کردن، صدقه دادن و... که درباره آن در این بخش مطالب مفیدی آمده است. در این بخش نکات مختصری نیز درباره راههای تهذیب نفس اشاره شده که از جمله می‌توان به نماز شب و روزه ماه مبارک رمضان، ازدواج کردن، پرهیز از رهیاتیت، احسان و نیکوکاری (زکات) و... اشاره نمود.

۲. طریقه تنویر و روشنایی

خانم شیمل معتقد است که در اسلام حالت عبادی و دینی افراد،

آن درآورده شده است.

مؤلف در ادامه با تأکید بر این نکته که با به کارگیری قواعد موسیقی و بیانی درباره متون دینی، فضای بسیار خاصی ایجاد خواهد شد، به ذکر نمونه‌هایی از آداب مسلمانان درخصوص نوع بکارگیری از متون دینی می‌پردازد. اشاره به سبکهای قرائت قرآن مجید، همخوانی یا نوازی بعضی از ادعیه و سرودهای دینی، تکرار ادکار دینی و بلند خواندن اشعار دینی از مطالبی است که مؤلف بدانها پرداخته است. موضوع جایگاه زبان عربی در دین اسلام و بین مسلمانان مطلب دیگری است که مؤلف بدان می‌پردازد.

انسان چگونه می‌تواند به معنای وحی نزدیکتر شود؟ مؤلف بر آن است که مسلمانان می‌دانستند که وحی و الهام حقیقی همواره پوشیده از اسرار و رازهاست و هیچ‌کس هرگز نمی‌تواند آن را کاملاً بفهمد و درک کند؛ و نیز اینکه هرچند کلمات و معانی آنها روشن بنظر آید، همواره محتاج تفاسیر جدیدی است؛ زیرا وقتی کلامی واقعاً منشأ الهی داشته باشد نوع انسانی هرگز نمی‌تواند تمام معانی آن کلام را درک کند. وحی و پیامی که «کاملاً» درک و فهم شود یقیناً کلامی از ناحیه ذات بی‌کران الهی نیست. این یکی دیگر از دلایلی است که بیان می‌کند چرا «ترجمه» قرآن کاری غیرممکن دانسته می‌شود؛ نه زیبایی اعجاب‌انگیز زبانی آن و نه تمام سایه‌ها و زوایای معانی آن هرگز در روایتی از آن که در زبانی دیگر به دست داده شود قابل تکرار و تجدید نیست.

در ادامه مؤلف به جایگاه و اهمیت «اسماءالله» می‌پردازد و نقش آن را در معرفت و نیز در جنبه‌هایی از حیات که کمتر صورت پوشیده و عرفانی دارد متذکر می‌گردد. سایر مباحث این بخش عبارتند از: تفأل و پیشگویی از آینده نزد مسلمانان، جایگاه خواب و رؤیا در بین مسلمانان، افسانه‌های خدایان و قهرمانان دینی در ادبیات عربی، فارسی و ترکی و هندی، داستانهای زندگی اولیاء و قدیسین اسلامی، اهمیت مقاتل در بین شیعیان، امثال و حکایات اسلامی، جایگاه و نقش علم حدیث به عنوان شریف‌ترین دانش پس از مطالعه قرآن، جایگاه خطبه‌ها در حیات دینی مسلمانان، اهمیت فراگیری علم دینی در بین مسلمانان در راستای انجام تکالیف دینی و...

کلام خداوند:

در این بخش مؤلف درصدد تشریح عبارتی است که شامل قصد خیر و برکت، یا نفرین و لعنت، یا خوشامدگویی و... به زبان آمده و در نزد مسلمانان شایع است و همگی خواستگاه دینی دارد. رؤوس مطالب این بخش را ذیلاً بیان می‌داریم:

قاعده سلام کردن و پاسخ سلام دادن در اسلام؛ عبارتهایی نظیر «رحمه‌الله» (رحمت خدا بر او یاد) برای تحسین؛ اینکه زبانهای اسلامی سرشار از اصطلاحات و عبارتها برای آرزوی خیر و سعادت کردن برای مردم و یا دفع شرور و بلاها نمودن از آنهاست؛ اثربخش بودن واژه‌های سب و لعن و نفرین بویژه اگر از سوی فرد قدرتمندی ادا شود؛ اهمیت و حرمت قسم خوردن و سوگند در بین مسلمانان، نذر کردن در بین

نه چشمها می‌توانست وی را ببیند و نه دستها قادر بود او را لمس کند، برای آنان صورت سخنانی بیهوده و مهممل، و بلکه از سر بی‌تقوایی و خداناشناسی را داشت.

چقدر مناسب می‌بود که خانم شیمل در اینجا به آثار مخرب اجتماعی صوفی‌نماها و اباحی‌گرانی که تحت عنوان عشق مجازی و اینکه «عشق مجازی به نوجوانان زیباروی و زنان، موجب عشق به خداوند می‌شود» به آلودگی‌ها و زشتی‌هایی دست زدند که قلم از بیان آنها شرم دارد اشاره‌ای می‌کردند و دلیل دغدغه‌های فقها و عالمان دین را نسبت به رعایت احکام الهی و جلوگیری از این زشتیها بیان می‌کردند.

در ادامه مؤلف به بیان دیدگاههای مسلکهای صوفیانه که از زمره اقلیت‌ها در اسلام محسوب می‌شوند، پرداخته است. از جمله مباحثی که در این قسمت بدان پرداخته شده بخشی از آن در موضوع اتحاد جنسی و ارتباط آن با اتحاد انسان با معبود بوده و عبارت است از: تشبیه عاشقانه بین زن و شوهر به قرابت و نزدیکی بین خداوند و جان آدمی؛ توصیف قرآن از بهشت با حوریان درشت‌چشم‌به‌عنوان تنها راه بیان خوشی و سعادت معنوی؛ علاقه و یا تحسین صوفیان نسبت به پسر بیچه‌های جوان که بخشی از سنت اعتقادی تصوف است و...

درخصوص مباحث این قسمت تحت عنوان «طریقه اتحاد» به ذکر چند نکته اکتفا می‌کنم. اولاً: مؤلف صرفاً به ذکر آداب و عقاید مسلکهای صوفیانه تکیه دارد، در حالیکه این مسلکها در مقابل جمعیت مسلمانان اقلیتی اندک بیش نیستند لذا نمی‌تواند آداب و عقاید آنها، که اغلب مورد انتقاد بسیاری از گروههای قوی شیعه و سنی است، معرف اسلام باشد. ثانیاً: با مروری اجمالی در قرآن درمی‌یابیم که منطق قرآن هرگز به روشهای مزبور برای اتحاد، بهایی قائل نیست چه بسا برخی از این آداب و عقاید از منظر قرآن، از مصادیق فسق و شرک باشد. بویژه شیعه که به فرقه عقلمگرا مشهور است، این نوع آداب و عقاید را مانع از قرار گرفتن انسان در صراط مستقیم الهی می‌داند و شدیداً انسان را از این قبیل افکار و رفتارها برحذر می‌دارد. از نظر شیعه ایمان واقعی و تقوای الهی که عمل به اخلاق و احکام دین را نیز طبیعتاً به دنبال دارد، تنها راه دستیابی به تعالی روح، تهذیب و قرب الهی است. چرا که قرب الهی بدون قرار گرفتن در مسیری که مورد رضایت خداوند باشد ممکن نخواهد بود. هرگونه آدابی برای تبرک و تیمن‌جویی و یا محبت به اولیاء، بدون ایمان و عمل ارزشی ندارد و مانع از اتصال روح انسان با روح الهی می‌شود.

فصل چهارم

کلمه خدا و کتاب خدا

از نظر مؤلف، در اسلام کلمه که از ناحیه خدا می‌آید و وجود و اراده خداوندی را به ظهور می‌رساند، از مسائل اساسی محوری است. اما به طور کلی، کلام مقدس الهی، از طریق نوع خاصی از تلاوت که مبین ماهیت مقدس آن است، از زندگی روزمره مردم و سرو صدای گیج‌کننده

سخن مکرر قرآن درباره مرتبه شریف و ممتاز انسان، این که خداوند برای زنده ساختن انسان از نفس رحمانی خویش در وی دمیده و این که خدا اسماء را به انسان یاد داده است تا اینکه انسان بتواند بدین وسیله بر مخلوقات حکومت کند؛ انسان به عنوان خلیفه فرشتگان و یا خداوند بر روی زمین قرار داده شده، این که انسان تنها مخلوق خداوند است که بار امانت الهی را پذیرفت؛ استفاده مکرر قرآن از تعبیر «وسخرلکم...» به معنای اینکه فلان چیز را تسلیم و مسخر شما گردانیدم؛ مقام عالی انسان در این حدیث که می‌گوید: خداوند انسان را بر صورت خویش (علی صورته) آفریده است؛ سخن قرآن مبنی بر اینکه انسانها می‌توانند تا مرتبه اسفل‌السالفین تنزل پیدا کنند؛ توصیف راز وجود انسان غیرممکن است؛ «بنده خدا بودن» به عنوان بالاترین درجه و مرتبه‌ای که انسانها می‌توانند به آن نائل شوند؛ اندیشه انسان کامل از دیدگاه اسلام، سخن مکرر قرآن درباره خلقت انسان، منزلت اعضا و جوارح بدن از دیدگاه اسلام، روح و بدن از نگاه اسلام، اهمیت خانواده از دیدگاه اسلام، مفهوم فرمانروایی الهی در تشیع، جایگاه علما در میان مسلمانان، تفاوت «رسول» به عنوان مبلغ پیام و «نبی» به عنوان دریافت‌کننده پیام (وحی)؛ اعتقاد به عصمت پیامبران (ص)؛ این که حضرت محمد (ص) در قرآن به عنوان یک بشر و یا انسان خوانده می‌شود؛ احترام به سید و سیدها در میان شیعه و سنی؛ خاتمیت در اسلام، نقش مردگان مقتدر در تاریخ اسلام، «ولی‌الله» و شیعه؛ جایگاه مجددین در اسلام، این که یک خانم می‌تواند در زمره «مردان خدا» درآید؛ منزلت بانوان در قرآن و...

جامعه

مؤلف معتقد است طبق نظر لویی ماسینیون، و به تبع وی لویی گارده، جامعه آرمانی اسلامی عبارت است از «تئوکراسی تساوی طلبانه‌ای از اعضای عامی» فارغ از آنکه چه معنایی برای «اعضای عامی و یا غیرروحانی» قائل باشیم. در تفکر اصولی اسلامی، اجتماع یا امت مؤمنین جایگاهی مرکزی دارد. از همین روی نیز بعضی از مسلمانان از توجه و علاقه غربیها به چهره‌های بیگانه‌ای چون متصوفه و شبیه آنان، که نماینده حقیقی اصول و هنجارهای امت اسلامی نیستند؛ چرا که امت بر مبنای دید الهی پیامبر (ص) نسبت به یک جامعه کامل ساخته شده است، اظهار دوری و نفرت می‌کنند. یک زندگی خوب، زندگی شایسته زن و یا مرد مسلمان که باید در دنیا و آخرت برای آنها سعادت به ارمغان آورد، باید در تمامی جزئیات با احکام وحی الهی و سنت پیامبر (ص) و تفسیری که علمای توانای دین از اینها به دست داده‌اند، مطابقت داشته باشد.

در ادامه مؤلف ویژگیهای جامعه اسلامی را تشریح نموده است که به مهمترین مطالب فهرست‌وار اشاره می‌کنیم: توصیف قرآن از جامعه اسلامی به عنوان «امت میانه»؛ نامگذاری [اکثر] اعضای امت اسلامی به «اهل السنه و الجماعة»؛ اهمیت «امت» در اسلام؛ امت اسلامی و اهل کتاب؛ این سخن پیامبر (ص) که اختلاف نظر بین آحاد امت من رحمت الهی است؛ مذاهب چهارگانه اسلام [در میان اهل سنت]؛ فقه

مسلمانان با خواندن قرآن یا تکرار اذکار دینی؛ آرزوی بخشش و مغفرت الهی، مهیج‌ترین ادعیه اسلامی؛ اذان برای اعلان نماز، اهمیت و آداب خواندن نماز به عنوان رکن مهم دین؛ قرائت فاتحه در بین مسلمانان؛ و اهمیت آن در نگاه مسلمانان، اینکه دعا در حق دیگران اجابت می‌شود؛ اهمیت و آداب دعا کردن؛ جایگاه و آداب ذکر گفتن و...

کتاب مقدس

مؤلف معتقد است کانون اسلام قرآن است که اصوات آن فضایی را که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند تعریف می‌کند و نسخه‌های مکتوب آن نیز بشدت مورد تکریم و احترام است. در هیچ یک از ادیان دیگر جهان نیست که کتاب مقدس آن دین بیشتر از اسلام اهمیت داشته باشد. این درحالی است که دین اسلام، اولین دینی است که بین اهل کتاب و غیراهل کتاب تمایز قائل می‌شود. نزد مسلمانان، قرآن عبارت است از «کلام» قابل رؤیت و دیده شدنی، کلام تزلزل‌ناپذیر.

در این بخش مؤلف درصدد تبیین اهمیت و جایگاه قرآن در میان مسلمانان و فرهنگی است که برای ترویج و تبلیغ معارف قرآنی در بین مسلمانان شایع است. مهمترین رئوس مطالب این بخش به شرح زیر است:

عمل کتابت قرآن به عنوان عملی مقدس، اهمیت حروف ابجد؛ رمز بودن حروف مقطعه در ابتدای برخی سوره‌های قرآن؛ استفاده از آیات و حروف مقدس قرآن برای تزئین اماکن؛ جایگاه هنر خوشنویسی؛ اعتقاد به برکت حروف و کلمات قرآن؛ سنت نگهداری دقیق قرآن؛ اعتقاد مسلمانان مبنی بر اینکه قرآن شامل همه مسائلی است که تاکنون مطرح شده‌اند و یا در آینده مطرح خواهند شد؛ این که افراد مؤمن روز خود را با استماع مختصر قرآن آغاز می‌کنند؛ اهمیت ختم کامل قرآن در بین مسلمانان؛ اینکه یک مسلمان نه تنها به هنگام تفکر و اندیشه درباره قرآن حضور خداوند را می‌بیند بلکه همچنین از اینکه توانسته، از طریق خواندن قرآن، به زبان خود خدا سخن گوید احساس غرور و مباهات می‌کند؛ قرآن به عنوان سرچشمه قانون شریعت اسلامی؛ مسئله نسخ و منسوخ در قرآن و وظیفه فقها؛ تاریخ تفسیر کتاب مقدس در اسلام؛ عقاید شیعیان مبنی بر تفسیر برخی آیات الهی در اشاره به اهل بیت پیامبر (ص)؛ کوشش در جهت تفسیر عقلانی و منطقی قرآن؛ تحولات علمی و تفسیر قرآن؛ نقش قرآن به عنوان کانون حیات اسلامی؛ اهمیت «حدیث» در تاریخ اسلام و...

فصل پنجم

انسان

در این بخش، مؤلف، درصدد تبیین جایگاه و منزلت انسان از دیدگاه اسلام است. ایشان این موضوع را از منظر قرآن، حدیث و سایر متونی که توسط مشاهیر مسلمان در این باره نگارش گردیده، مورد بررسی قرار داده است. ذیلاً مهمترین مباحث این بخش را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم.



اسلامی و اجتهاد؛ هفتاد و سه فرقه در اسلام، مساله ایمان و اعمال آدمی و همچنین جبر و تقدیر؛ رهبری جامعه اسلامی از منظر شیعه و سنی؛ اندیشه ظهور حضرت مهدی (ع) در آخرالزمان در میان تشیع؛ نهضت اسماعیلیه - که اسلام قرون وسطی نظریه پردازیهایی فلسفی بسیار مهمی را مدیون آن است -؛ طریقت متصوفه در اسلام؛ و...

فصل ششم

خداوند و عالم خلقت

مهمترین مطالب این بخش عبارتند از: راههای گوناگون توصیف خداوند و کوشش در جهت فهم و ادراک الهی؛ این که خداوند «جمال» مطلق «حکیم» (مطلق حکمت یا حکمت مطلق) است و اراده او مافوق همه اراده‌های انسانی قرار دارد؛ اینکه خداوند وجود یکتایی است که سرمنشاء «عدالت» مطلق است؛ این که به زبان قرآن، خداوند «اول و آخر و ظاهر و باطن است»؛ این که خدای قرآن، خدایی زنده و فعال است؛ صفات ضروری خداوند؛ صفات سلبی خداوند؛ خداوند به عنوان «واجب الوجود»؛ مفهوم «وحدت الوجود»؛ خداوند «علت اولی» است؛ این که قرآن از خداوند به عنوان خالق، نگهبان و قاضی (حاکم) جهان سخن می‌گوید و تمام معجزات و خوارقی که چشم بینا در عالم خلق درک می‌کند بر ضرورت وجود خداوند دلالت می‌کنند؛ این که خداوند «واحد» است؛ نفس یا دم الهی (نفس الرحمن)؛ مذمت دنیا از سوی حکما؛ رواج افسانه گنج مخفی (گنج کتکناز مخفی) در میان متصوفه؛ این که فرشتگان مخازن رحمت الهی هستند؛ چهار فرشته اعظم الهی (جبرئیل، اسرافیل، عزرائیل و میکائیل)؛ جایگاه ابلیس در زمره مخلوقات خدا؛ اندیشه مرگ و دنیای مردگان؛ توصیفات آتش و عذاب جهنم در قرآن؛ توصیفات بهشت از دیدگاه قرآن و...

فصل هفتم

نحوه نگرش به اسلام:

مؤلف می‌نویسد: «مسلمانان متجدد، خودشان و عقیده و آرمانهایشان را به کدام زبان بیان می‌دارند؟ این تنها یک سؤال زبان‌شناسانه نیست، بلکه پرسشی است راجع به حوزه نگرش کلی و عمومی که در هنر جدید اسلامی به چشم می‌خورد و یا در موسیقی جدید به گوش می‌رسد و در ادبیات معاصر انعکاس دارد؛ و از این روی پرسشی است که همه جنبه‌های زندگی را دربرمی‌گیرد».

همچنین مؤلف سؤالی را مطرح نموده است و آن اینکه: آیا برای اسلام، مارتین لوتری وجود ندارد؟ دانشجویان... غالباً نمونه مارتین لوتر را به عنوان یک منجی برای اسلام در عصر حاضر ذکر می‌کنند. درحالیکه اقبال لاهوری، که بخوبی از تاریخ اروپا آگاه بود، لوتر را بصورت یک نیروی منفی که مسئول ازهم‌گسیختگی اروپای مسیحی بود می‌دید. به هر تقدیر نظر مؤلف این است از آنجا که دین اسلام ساختاری مشابه با کلیسای روم ندارد، و کسی نیز در مقام و منزلت محوری روحانیت اسلامی مثل شخص پاپ وجود ندارد، تقریباً

غیرممکن است تصور کنیم فردی سر برآورد و اسلام را از قید آنچه فضل‌الرحمن به نام «بار سنگین زمان»! می‌خواند «آزاد سازد». خانم شیمیل معتقد است که اسلام، در ابتدای کار خود، حرکت اصلاحی‌ای بود که نگرش تازه به حیات را برای قرون وسطی به ارمغان آورد، اما به تدریج خود توسط یک سلسله جزئیات فقهی و شرعی، سنن و آداب گوناگون، انواع و اقسام مکاتب مختلف، شروح و تفاسیر متعدد و شرح تفسیرهای ثانویه و غیره محاصره شد، به نحوی که کم‌کم آن تحرک و پویایی نخستین خویش را که ویژگی پیام وحیانی اسلام بود از دست داد. از ویژگیهای امت اسلامی در تمام سرزمینهایی که پای دین اسلام به آنجا باز شده بود، وجود یک اسلام اصولی و بهنجار، آنگونه که در کتب علما و فقهای کلاسیک مطرح شده و در مدارس علوم دینی تعلیم داده می‌شد، و پیروی آگاهانه از سنت پیامبر (ص) آنگونه که در حدیث آمده است بود. تمام این عوامل دست به دست هم می‌داد تا تصویری از یک اسلام هماهنگ و حتی انحصاری پدید آورد.

جوهر و عصاره اسلام در کنار پذیرش این حقیقت است که دین اسلام، در صورت دنیوی خویش، توسط حضرت محمد (ص) پایه‌گذاری شده است. از این روی این گرایش فکری وجود دارد که موقع شک و تردید، به روزگار حضرت محمد (ص) - آن زمان آرمانی - زمان کمال حضور پیامبر که الگویی از ادامه جامعه اسلامی بود و برای نسلهای آینده نیز همواره باید باشد - بازگشت کرد.

باید گفت این بخش از سخن خانم شیمیل در عین صحت، ناقص و ناکافی است. زیرا براساس دیدگاه شیعیان در عین آنکه قول، فعل و تقریر پیامبر گرامی (ص) و ائمه معصومین (ع) حجت و قابل رجوع است لیکن درک زمان و مکان و موقعیت‌سنجی و تطبیق اصول کلی دین با آنها که ساختار اجتهاد شیعی را تشکیل می‌دهد بسیاری از بحرانها و مشکلات معاصر را به دست توانای خود حل می‌کند و لذا قابل قیاس با شکل‌گرایی و فرمالیسم افراطی عموم اهل سنت نیست. مضافاً اینکه جامعه ایده‌آل اسلامی از منظر شیعه، بیش از آنکه در دوره‌های گذشته باشد در آینده و بدست مهدی موعود (عج) است.

مهمترین مطالب این بخش عبارتند از: کلمات شهادتین، بنیان اعتقاد اسلامی، شک و تردید میان اعتقاد به تقدیر و اراده؛ صفت شکرگزاری و تشکر در مقابل کفر و ناسپاسی؛ بی‌خبری تحصیلکردگان مسلمان در غرب از سنت دینی یا ارزش خویش؛ غربگرایی نسل جدید اسلامی؛ تصوف و شریعت‌گریزی؛ قانون شرع، نجات و رستگاری انسانها پس از مرگ را وعده می‌دهد؛ امید به وسعت رحمت بی‌پایان الهی؛ خوف و رجاء؛ عشق و محبت؛ دین عهد و پیمان؛ مفهوم دوستی خلق با خدا؛ مفهوم دین فعال و بیقرار؛ مفهوم اراده و اطاعت؛ اسلام به عنوان دین جلال و تواضع و دین عشق و محبت و اینکه اسلام نمودی چون یک خانه و یا به بیان قرآن «دارالاسلام» دارد.